



گونه‌شناسی نقوش آجری مقابر قبرستان‌های قدیمی شهر دزفول

محمد مهرکی زاده* محسن تابان** بهناز صفر علی نجار*** ثمین نیکونزاد****

چکیده

قبرستان‌های تاریخی، نمودی از فرهنگ و مذهب جامعه‌ای بوده که در آنها شکل گرفته‌اند. با گسترش شهرها، اغلب این قبرستان‌ها در مناطق دورافتاده، خارج از شهر و یا مناطق نامناسب حفاظتی، متروک و گمشده به حال خود رها شده‌اند و اثری از پویایی و جریان‌های فضای شهری در آنها دیده نمی‌شود. از آنجا که این قبرستان‌ها بخشی ارزشمند از میراث ملموس و ناملموس هر جامعه هستند، بنابراین ضروری است که شناخت و ثبت و اقدامات حفاظتی آنها مورد توجه قرار گیرد. شهر دزفول، یکی از شهرهای دارای بافت تاریخی زنده منحصر به فرد و همچنین قبرستان‌های تاریخی است. قرار داشتن این قبرستان‌ها در بافت شهری، منجر به تأثیرپذیری آنها از آجر و الگوهای مورد استفاده در ساختار این شهر شده است که با توجه به نادیده گرفتن این قبرستان‌ها در طول سالیان، با مخاطراتی از جمله ویرانی کامل روبه‌رو شده‌اند. این پژوهش، درصدد بررسی و گونه‌شناسی نقوش آجری قبور قبرستان‌های دزفول به نام‌های قبرستان رودبند، بابا یوسف و کاشفیه است. هدف اصلی، مطالعه نقوش آجری قبور قبرستان‌های تاریخی این شهر، دسته‌بندی و شناساندن این قبرستان‌ها به‌عنوان گنجینه‌ای از معماری کهن شهر دزفول است. در این راستا، روش تحقیق به‌کار رفته، توصیفی بوده و گردآوری اطلاعات، به‌صورت مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان داده تزئینات آجرکاری قبرستان‌های این شهر، در یک دسته‌بندی مشخص، به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ قبور تاریخی با آجرکاری لعاب‌دار، قبور تاریخی با آجرکاری ساده و قبور تاریخی با آجرکاری ترکیبی (که تزئینات آنها، ترکیبی از آجرهای ساده و لعاب‌دار است). در نمونه‌های بررسی‌شده، بیشترین فراوانی، در تزئینات آجری با آجرهای لعاب‌دار و پس از آن در رده بعدی، تزئینات آجری با آجرهای ساده و در آخر، تزئینات ترکیبی است. از سوی دیگر، در کنار نقش‌مایه‌های هندسی و گیاهی در بطن نقوش که حاصل استفاده از آجر و تناسب آن بوده، در برخی قبور، از موتیف‌های مذهبی، اجتماعی و گیاهی نیز استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: قبرستان‌های تاریخی، نقوش تزئینی قبور، شهر دزفول

مقدمه

خاکسپاری در ادیان مختلف و حتی در مذاهب وابسته به این ادیان، با تفاوت‌هایی همراه است؛ به‌عنوان مثال، مسیحی‌ها در تابوت و مسلمانان بدون تابوت، مردگان را در خاک گورستان دفن می‌کنند. ایرانیان در دوره‌های باستان، گاه جسد را با موم می‌پوشانده و آنگاه آن را دفن می‌کردند؛ چنانکه در جنوب ایران متداول بود. گاه نیز جسد را می‌سوزاندند و این عمل به دلیل فراوانی چوب و وجود جنگل بیشتر در مناطق نزدیک به جنگل و پردرخت انجام می‌شد. گاهی هم اجساد را در دخمه‌هایی می‌گذاشتند تا طعمه لاشخورها شده و گاه نیز اموات را در تابوت‌ها یا کوزه‌های سفالین دفن می‌کردند. دفن مردگان از ایران باستان تا امروز در بعضی موارد تفاوت پیدا کرده و آن این است که گاهی در آن زمان، مردگان را در کف خانه خود متوفی و در حیاط خانه دفن می‌کرده و در خانه‌های اشرافی‌تر و محکم‌تر به جای کف حیاط، کف اتاق را می‌شکافتند. شیوه ساده تدفین، پیچیدن مرده در کفن و خاک کردن آن بود. نوع تجملی‌تر این بود که مرده را در کندوی گلی ذخیره آذوقه جای می‌داده و سپس در گودالی می‌گذاشتند. افراد ثروتمند و متمول‌ترها می‌توانستند از تابوت شخصی که خود سفارش می‌داده استفاده کنند. در ادوار قدیم‌تر بر اساس شغل متوفی، ابزار پیشه او را نیز همراه او درون گور قرار می‌داده و اغلب مردگان را در عمق کمی که گاهی از ۲۰ سانتی‌متر نیز تجاوز نمی‌کرد، دفن می‌کردند. با ظهور اسلام و اعتقاد به معاد و حیات اخروی، شیوه تدفین تغییر پیدا کرد. در این دوران، اموات دفن می‌شدند؛ زیرا اعتقاد به روح معنوی و جدایی آن از کالبد جسمانی، امری رایج بوده است. در قرن چهارم، برای بزرگداشت افراد، سنگ قبوری ساخته شده است تا یاد و خاطره آنها برای بازماندگان باقی بماند. این سنگ قبور، دارای مضامینی نظیر؛ آیات قرآن، نام و سال متوفی بوده و محتوای تزئینات آنها ارتباط زیادی با فرهنگ و باورهای افراد دفن‌شده دارد (جباری کلخوران و خبیری، ۱۳۸۹: ۶۲). تدفین و معماری وابسته به آن در ایران، دارای سابقه‌ای دیرینه بوده، ولی تاریخ دقیق استفاده از سنگ قبر برای شناسایی فرد مدفون در ایران، امری نامشخص است و تا بعد از اسلام، هیچ سند و مدرکی دال بر چگونگی آغاز کار گذاشتن سنگ بر قبر وجود ندارد؛ اما انجام تدفین و گذاشتن سنگ بر قبر پس از چهل روز در فقه شیعه را می‌توان سرآغاز این سنت به حساب آورد (تناولی، ۱۳۸۸: ۷). درون‌شهریاز جمله آسیب‌هایی که در رابطه با فرسوده و متروک شدن گورستان‌های تاریخی درون‌شهری دیده می‌شود، از دست

دادن تدریجی فضاهایی خاطره‌انگیز برای نسل میانسال و کهنسال است؛ شاید بتوان گفت که این امر، یکی از عواملی بوده که باعث فاصله گرفتن این قشر از شهر فعلی شده و رابطه آنها را به حد برآوردن نیاز، کاهش می‌دهد. به‌علاوه، روایت‌های نسل گذشته نیز برای نسل جدید، بی‌مکان جلوه داده و میزان خاطره جمعی و به تبع آن، هویت جمعی در جامعه کاهش پیدا می‌کند (حقیق و شوهانی‌زاد، ۱۳۹۰: ۸۲). شهر دزفول، شهری در شمال خوزستان است که دارای پیشینه تاریخی غنی معماری و فرهنگی بوده و از سویی، به علت وجود آجر در پوسته و کالبد شهری، همواره از آن به‌عنوان شهر آجر یاد شده است. این شهر، دارای سه بافت قدیم، میانی و جدید است. در بافت قدیم دزفول، آجر نه تنها به‌عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در ایجاد بافت و ساختار جداره‌های معابر و ابنیه به شمار می‌رود، بلکه در زیباسازی تزئینات و آجرکاری‌ها در مساجد، ساباط‌ها، گذرگاه‌ها، محله‌ها و مناطق مختلف شهر نیز مؤثر بوده است. تزئین سردرها، طاق‌ها و ایوان منازل با طرح‌ها و نقوش زیبا و معنادار آجری، از دیگر کاربردهای تأثیرگذار آجر در این شهر بوده تا جایی که علاوه بر زیباسازی، گاه نوع تزئین و آجرکاری سردرها، جایگاه اجتماعی و اقتصادی صاحب‌خانه را بیان می‌کرده است. این شهر، دارای قبرستان‌های تاریخی است که با گسترش شهر در بافت میانی و جدید، به‌طور کلی نادیده گرفته شده‌اند و این میراث ارزشمند را به دلیل نقض حریم و همچنین مخاطرات طبیعی و آب و هوایی، در معرض نابودی قرار داده‌اند. تا کنون پژوهش‌های فراوانی در مورد معماری این شهر و ویژگی‌های آن و همچنین پیشینه آجر و تزئینات آن انجام گرفته، اما توجهی به این میراث گرانبها نشده است. لذا این پژوهش، درصدد بررسی شرایط و تبیین ویژگی‌های این میراث ملموس شهری است.

پرسش‌هایی که در این راستا مطرح شده، عبارت هستند از؛ وضعیت سلامت قبور باقی‌مانده در قبرستان‌های تاریخی به چه صورت است؟ تزئینات مورد استفاده در قبرهای قبرستان‌ها چند گونه هستند؟ نقوش این تزئینات چه بوده و در چند دسته طبقه‌بندی می‌شوند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعه وضعیت گورستان‌ها در طرح جامع تعدادی از شهرهای ایران، گویای وضع نابسامان آنها در طرح‌های شهری و عدم توجه کافی به این مقوله است (فرهادی‌پور، ۱۳۸۸). تا کنون کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی درباره تزئینات آجری و یا نحوه استفاده و کاربرد آجر در معماری ایران ارائه شده‌اند؛



تا کنون هیچ‌گونه مطالعات جامع و مستندی در این زمینه صورت نگرفته‌اند. این پژوهش، به دنبال شناسایی و بررسی تنها آثار به‌جای مانده از تزئینات آجری گورستان‌های تاریخی این شهرستان است.

روش پژوهش

این تحقیق، به روش توصیفی از طریق مشاهدات میدانی (بازدید میدانی از گورستان‌های قدیمی شهرستان، عکس‌برداری، طراحی و غیره) و مطالعات کتابخانه‌ای است. به این منظور، سه نمونه از گورستان‌های قدیمی شهر دزفول که مربوط به دوره قاجار تا اوایل پهلوی بوده، انتخاب شده و تمامی قبرهای آنها بررسی شده‌اند. بر اساس برداشت‌های میدانی، از میان تعداد قبور موجود، نمونه‌هایی که کمتر تخریب شده بودند انتخاب شده و از میان نمونه‌های منتخب نیز نقوش پرتکرار آنها برگزیده شده و سپس طرح نقوش آنها به صورت خطی، ترسیم و بررسی شده‌اند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش با توجه به نوع پژوهش، متفاوت است. در بخش پژوهش کتابخانه‌ای، از منابع معتبر شهر دزفول و پیشینه آن و در برداشت‌های میدانی، از متر، خط‌کش، دوربین عکاسی و فرچه برای خاک‌برداری و تمیز کردن قبور جهت شناسایی نقوش و غیره استفاده شده است.

معرفی محدوده پژوهش: شهر دزفول

شهر دزفول، در شمال استان خوزستان و در قسمت جلگه‌ای آن با مساحتی به اندازه ۴۷۶۲ کیلومتر مربع واقع شده است. دزفول در منطقه‌ای شدهقرا گرفته است که حاوی هزاران سال تجربه ساخت بناهای آجری است که طیف زمانی گسترده‌ای را از دوران پیش از اسلام تا دوران اسلام متأخر در بر می‌گیرد؛ سرزمینی که وارث تمدن‌های آشور، سومر، عیلام، هخامنشیان و ساسانیان است. برج‌ها، زیگورات‌ها و کاخ‌ها هر یک با فاصله‌ای تا نزدیک شهر دزفول قرار دارند. زیگورات عیلامی چغازنبیل که قدیمی‌ترین بنای ساخته شده در ایران بوده، با خشت‌هایی به ابعاد ۳۷×۳۷ سانتی‌متر و ضخامت ۷ سانتی‌متر و ابعاد ۴۰×۴۰ سانتی‌متر و ضخامت ۱۰ سانتی‌متر ساخته شده است (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۸؛ Attarian et al., 2019). بافت قدیم دزفول با مساحتی حدود ۲۵۰ هکتار، در حاشیه رود دز قرار دارد. بافت ارگانیک آن با ۲۸ محله، دارای ۱۲ هزار واحد مسکونی است و یکی از قدیمی‌ترین بافت‌های کشور محسوب می‌شود. بافت قدیم شهر دزفول، یکی از آثار بی‌بدیل در فضای معماری شهری است (زرگرزاده دزفولی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱). گورستان‌های مورد بررسی،

از جمله آنها می‌توان مقاله غفاری و صلاحی (۱۳۹۷) تحت عنوان «پژوهشی در خاستگاه اصلی صندوق قبر شیخ صفی و شاه اسماعیل اول صفوی» را نام برد که از جمله نتایج آن این است که در هیچ یک از منابع تاریخی مورد مطالعه، به اهدا نمودن صندوق چوبی از جانب همایون شاه به شاه طهماسب اشاره نشده است و الگوهای تزئینی و فنون اجرایی در صندوق مقابر مذکور، از منابع هنری دوره تیموری و صفوی در ایران تبعیت نموده که به دست هنرمندان ایرانی و آشنا با این منابع هنری اصیل ساخته شده‌اند. در مقاله احمدزاده و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ قبور ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد سابق)» آن علاوه بر معرفی محوطه‌ها، به بررسی و مطالعه نقوش سنگ قبرها نیز پرداخته شده و با سایر سنگ قبرهای مشابه و معاصر قبرستان‌های شهرستان ابدانآبادانان در استان ایلام، قبرستان دارالسلام در استان فارس و با شهرستان کوه‌دشت در استان لرستان، مقایسه صورت گرفته است. مقاله بعدی، توسط خدادادی و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی تطبیقی نقش‌مایه فرشته در سنگ قبور آرامگاه ارامنه و تخت فولاد اصفهان» انجام شده است. در این پژوهش علاوه بر برداشت اسنادی، با تصویربرداری میدانی تقریباً ۵۰ سنگ قبر دارای نقش فرشته، به روش توصیفی-تحلیلی، شناخت و معناشناسی این نقش‌مایه، امکان‌پذیر شده و وجوه اشتراک و افتراق آن در دو گورستان بررسی شده‌اند. شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان «شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام» انجام داده‌اند که نتایج پژوهش نشان داده نقوش تزئینی قبور زنان با مردان متفاوت بوده و نقش‌مایه‌ها شامل مضامینی همچون؛ شکار، مجالس هم‌نشینی، نشان دادن ابزارآلات روزمره زندگی و نقوش مذهبی هستند. در نهایت، پژوهش دیگری که توسط صفی‌خانی و همکاران (۱۳۹۳) تحت عنوان «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)» ارائه شده، نشان می‌دهد نقوش صرفاً جنبه تزئینی نداشته و علاوه بر اشاره مستقیم به مفاهیم، سندی بوده که ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی را نمایش داده است. نکته حائز اهمیت این است که باید بیان نمود کمتر مطالعاتی درباره آجرکاری شهر دزفول صورت گرفته‌اند. آنچه به‌عنوان نوآوری در این پژوهش به چشم می‌خورد، تازگی مطالعه و بررسی تزئینات آجری قبرستان‌های تاریخی شهر دزفول است. این مهم برای اولین بار، در شهرستان دزفول صورت می‌گیرد و قابل ذکر است که

شامل سه قبرستان مربوط به دوره صفویه و قاجاریه به نام‌های قبرستان کاشفیه (تصویر ۱)، بابا یوسف (تصویر ۲) و آقا رودبند (تصویر ۳) هستند. علت نام‌گذاری قبرستان‌های مورد مطالعه را می‌توان گاه برخاسته از اسامی خاص که نشان‌دهنده شخصیت و جایگاه اجتماعی فرد متوفی بوده و نزد مردم از احترام و جایگاه خاصی برخوردار بوده دانست؛ مانند قبرستان بابا یوسف و کاشفیه و یا دلیل آن را قرار گرفتن در کنار اماکن دیگر ذکر کرد نام‌گذاری؛ مانند قبرستان آقا رودبند که مجاور بقعه آقا رودبند قرار دارد.

قبرستان کاشفیه

یکی از جاذبه‌های تاریخی در کنار رودخانه دز (جنب آبیاری قدیم دزفول)، مکانی بر روی صخره‌ای به ارتفاع نزدیک به ۳۰ متر از سطح رودخانه و مشرف به آن به نام «کاشفیه» بوده که مربوط به دوران قاجاریه است. در این قسمت از رودخانه، غارهایی در دل صخره‌ها کنده شده که به زبان محلی دزفولی به آنها «کت» می‌گویند. یکی از این کت‌ها معروف به کت یا کهف سه در، محل عبادت مرحوم سید صدرالدین کاشف دزفولی^۱ بوده است. بر فراز این کهف در ماه رجب (سال ۱۲۷۵ ه.ق.)، برادر پدری آن مرحوم یعنی سید محمدعلی عارف، اتاقی به نام «کاشفیه» بنا کرده که مقبره خانوادگی بستگان

مرحوم عارف بوده و امروز در حال ویرانی است. بر دیوارهای آن، چند کاشی نوشته به نظر می‌رسند که شامل ابیاتی چند از مرحوم صدرالدین کاشف و تاریخ فوت آن شادروان و بانی و راقم کاشی‌ها یعنی سید محمدصادق بن سید محمدعلی عارف بوده که در محرم سال ۱۲۷۸ ه.ق. آنها را نوشته‌اند است. گذشت زمان، اتاقت تاریخی کاشفیه را که نمادی از معماری و ظرافت کم‌نظیر آجرکاری دزفول بوده، از بین برده است. این اتاقت، به علت عدم توجه و نگهداری، امروزه به مکانی متروکه تبدیل شده و ملات لای آجرکاری‌ها، سقف گچ‌بری شده و کاشی‌های زیبای آن فروریخته‌اند (تصاویر ۴ و ۵).

زمین قبرستان کاشفیه، متعلق به سادات گوشه^۲ بوده که آن را جهت قبرستان، وقف کرده و قسمتی از آن را به خاندان انصاری هدیه نموده‌اند. سطح این قبرستان، از سطح خیابان و زمین‌های اطراف آن پایین‌تر است. در ورودی قبرستان، پنج پله تعبیه شده است. سمت راست قبرستان، متعلق به سادات گوشه بوده و در گذشتگانی از خاندان کاشف، داعی، موسوی و غیره در آنجا مدفون هستند. سمت چپ قبرستان همان‌گونه که اشاره شد، به خاندان انصاری اختصاص داشته است. در بین قبور، قبرهایی مشاهده شده که متعلق به علما و مجتهدین هستند؛ در دو قسمت قبرستان یعنی سمت سادات گوشه و نیز خاندان انصاری، از این دست قبور دیده می‌شد.



تصویر ۳. قبرستان آقا رودبند (نگارندگان)



تصویر ۲. قبرستان بابا یوسف (نگارندگان)



تصویر ۱. قبرستان کاشفیه (نگارندگان)



تصویر ۵. قبرستان کاشفیه دزفول (نگارندگان)



تصویر ۴. کاشفیه، مقبره خانوادگی بستگان مرحوم سید محمدعلی عارف (نگارندگان)

قبرستان بابا یوسف

بقعه بابا یوسف (تصویر ۶) در دزفول، در حاشیه شمالی قبرستان قدیمی رودبند و در محدوده‌ای که هم اکنون پیوستگی آن به وسیله پل سوم شهر و میدان مجاور آن قطع شده، قرار دارد. این بقعه و قبرستان مجاور آن، مربوط به دوره صفوی بوده و در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۸۲ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

این قبرستان، در جوار قبرستان کاشفیه بوده که در گذشته و قبل از احداث پل سوم دزفول، پیوسته به قبرستان رودبند بوده است که به‌واسطه ساخت‌وسازهای شهری و با احداث خیابان و پل سوم، بسیاری از قبور از بین رفته و یا آثار کمی از آنها به‌جای مانده‌اند است (تصویر ۷). اما آنچه که حائز اهمیت بوده این است که در قبرستان بابا یوسف، قبوری که متعلق به علما و یا مجتهدین بوده مانند قبرستان کاشفیه دیده نمی‌شوند و فقط سه مزار متعلق به عارفان و صاحبان کرامات به نام‌های بابا تقی کیوان علیشاه، شاعر شوریده‌حال متوفی ۱۳۲۲ ه.ش. و مولا غلامرضا متوفی ۱۳۰۱ ه.ق. هستند که هیچ کدام از این قبور آجرکاری نیست و با توجه به قدمت آنها می‌توان گفت که این قبور بازسازی شده و آثاری از قدمت و کهنگی آنها به‌جای نمانده‌اند است.



تصویر ۶. بقعه بابا یوسف (نگارندگان)

قبرستان آقا رودبند

بنای بقعه رودبند در شمال غربی دزفول، در محله رودبند واقع شده است. این بقعه، منسوب به خواجه سلطان علی^۳ از نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که تاریخ ساخت آن، به دوره تیموریان (۸۴۵-۷۷۱ هجری قمری) تعلق دارد ولی مرمت آن، به شاه عباس صفوی و به سال ۱۳۰۰ هجری قمری مربوط است. این بنا، در کنار رودخانه دز قرار گرفته و حدوداً ۲۵ متر بالاتر از سطح رودخانه ساخته شده است. در اطراف بقعه رودبند، قبرستان قدیمی قرار گرفته و مشرف به رودخانه است. هم‌جواری این فضا با رود دز و داشتن نظرگاهی به سمت آن و گنبد رک مقبره و همچنین سرسبزی و وجود درختان کنار در این محیط، علی‌رغم وجود روحیه غم‌انگیز حاکم بر قبرستان‌ها، این مکان را تبدیل به فضایی باغ‌مانند کرده است و به نظر می‌رسد عبارت باغ-مزار برای آن مناسب باشد (تصویر ۸).

قبرستان رودبند، یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین قبرستان‌های دزفول به شمار می‌رود که به‌واسطه آرامگاه رودبند و ارادت و احترام خاصی که مردم این دیار به ایشان داشته‌اند، می‌توان گفت جزو مکان‌های متبرک بوده و قبرستان آن نیز از اعتبار خاصی در میان مردم برخوردار بوده است. گذر زمان و رد پای ساخت‌وسازهای شهری و تمدن امروزی، این قبرستان را که به‌نوعی می‌توان آن را از آثار تاریخی هم نامید، دستخوش تغییر کرده و بعضاً تخریب کرده است تا آنجا که به جرأت می‌توان گفت قسمت عظیمی از این قبرستان با تغییر کاربری‌های شهری، به فضاهای جدید بدل شده و آنچه از این قبرستان به جای مانده، فضای بسیار اندکی از آن است. بازدید میدانی از قبرستان رودبند، حاکی از این مطلب است که تعداد خیلی کمی از قبور آجرکاری به‌جای مانده و تعداد زیادی از قبور که تخریب شده، از سوی خانواده‌های متوفیان با مصالح جدید بازسازی شده‌اند است.



تصویر ۸. بقعه آقا رودبند (نگارندگان)



تصویر ۷. قبرستان بابا یوسف دزفول (نگارندگان)

بررسی قبور برداشت‌شده سه قبرستان کاشفیه، بابا یوسف، رودبند

از مجموع قبور شمارش‌شده به لحاظ طرح و مصالح، برخی مشخصات و ویژگی‌های صاحب قبور و حتی تاریخ، کاملاً سالم و مشخص هستند، اما بخش عظیمی از این قبور، عمدتاً یا فقط آثار جزئی و یا نیمه یا کمی بیشتر از آنها، به جای مانده است که با قرینه‌سازی می‌شد به طرح کلی تزئین قبری برد (تصاویر ۹ تا ۱۱).

در بررسی قبرستان‌های مورد بررسی، در مجموع، تعداد قبور شمارش و بررسی شده، ۴۲۰ قبر است که جزئیات آنها در جدول ۱ قابل مشاهده هستند. از آنجا که شهر دزفول به شهر آجر معروف است، این مصالح در تمامی بخش‌های سازنده این شهر، رد پای محسوسی از خود به جای گذاشته‌اند؛ از این رو، آجر در قبرستان‌های قدیمی این شهر نیز به وضوح دیده می‌شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که آجر به‌عنوان زینتی بر روی قبرها، در برخی قبور، به‌صورت تکی و با طرح‌های تزئینی بومی این شهر و علاوه بر آن، به‌صورت ترکیبی و آجر لعاب‌دار مشاهده می‌شود.

در این پژوهش، واکاوای نقوش قبور این قبرستان‌ها از چند جنبه صورت می‌گیرد. با مشاهده‌ها و برداشت‌های میدانی، نوع مصالح مورد استفاده، حاشیه اطراف این قبرستان‌ها و در نهایت، دسته‌بندی نقوش تزئینی آنها، از جمله مواردی است که در این مطالعه مورد بررسی واقع شده‌اند. به منظور پیشبرد اهداف این پژوهش، قبوری که سالم بوده و نقوش آنها بیشترین تکرار را در میان مجموعه آماری موجود در جدول ۱ داشته، انتخاب شده‌اند تا بتوان به نتایج دقیق‌تری دست یافت. در ادامه، به تحلیل ویژگی‌های آنها پرداخته شده

است. یکی از نکات حائز اهمیت حین واکاوای نقوش قبور، این امر بود که روی هیچ کدام از آنها اسم و مشخصات فرد متوفی ذکر نشده و صرفاً در چند مورد، تنها چند عدد (که به احتمال، عدد سال فوت آنها بوده) با ترکیب آجر و کاشی، نقش بسته است (تصاویر ۱۲ تا ۱۴).

مصالح مورد استفاده در نقوش مقابر

مصالح مورد استفاده در قبور این سه قبرستان را می‌توان به‌صورت ذیل ارائه نمود:

نقوش آجری لعاب‌دار: تزئینات این قبور، عمدتاً از آجرهای لعاب‌دار بوده و فقط آجرچینی دور قبور، از آجرهای بدون لعاب است. جدای از طرح کلی (طاقی شکل یا ساده) که جنسیت را تعیین می‌کند، طرح‌ها علی‌رغم نظم و انسجام خاص خود، متفاوت هستند.

نقوش آجری ساده (بدون لعاب): این قبور عمدتاً با آجرهای ساده و بدون لعاب تزئین شده و گاهی فقط چند تا آجر لعاب‌دار در تزئین آنها به‌کار رفته‌اند است. آجرکاری‌ها نیز منظم و بر اساس طراحی خاصی هستند. طرح‌های طاقی شکل و ساده (مستطیلی) که نمود مذکر یا مؤنث بودن صاحبان قبور است، در اینجا نیز رعایت شده‌اند است. رنگ آنها سیاه، سفید و آبی لاجوردی است.

آجرکاری ترکیبی: در آجرکاری این قبور، از آجرهای لعاب‌دار و ساده به‌طور ترکیبی استفاده شده است که میزان و نسبت به‌کارگیری این دو نوع آجر، اساس و معیار خاصی را نشان نمی‌دهد؛ به‌طوری که گاهی آجرهای لعاب‌دار از آجرهای ساده و بدون لعاب، بیشتر و یا برعکس مشاهده شدند. نمونه‌ای از این دسته‌بندی ارائه‌شده، در جدول ۲ قابل مشاهده است.



تصویر ۱۱. نمونه‌ای از قبور سالم (نگارندگان)



تصویر ۱۰. نمونه‌ای از قبور نیمه‌سالم (نگارندگان)



تصویر ۹. نمونه‌ای از قبور تخریب‌شده (نگارندگان)

حاشیه قبرها

با بررسی قبرهای باقی مانده از سه قبرستان تاریخی شهر دزفول، مشاهده می شود که تمامی قبور، دارای حاشیه آجری هستند که در برخی از قبرها، آجرچینی به صورت ختایی و در برخی دیگر، به صورت هره چینی انجام شده است.

مضامین نقوش آجری

هنرمندان ایران زمین همواره در آثار خود، از خانه گرفته تا کاخ و باغ، از هنر نقش پردازی بهره جسته اند. این مهم در قبرستان ها نیز قابل مشاهده است. در بررسی قبور قدیمی شهر دزفول، با وجود تخریب های صورت گرفته، نقوشی قابل مشاهده بوده که متجلی فرهنگ مردمان این خطه از ایران زمین هستند. طرح آجرکاری ها، به صورت متفاوت اما منظم و همچنین نشان دهنده جنسیت یا شخصیت و شأن اجتماعی صاحبان قبور است. در بررسی های صورت گرفته از سه قبرستان این شهر، چنین حاصل شد که طرح های طاقی، متعلق به ذکور و غیرطاقی، متعلق به اناث هستند. به صورت کلی، نقش مایه های مقابر موجود در قبرستان های

تاریخی شهر دزفول را می توان به دو دسته گیاهی و هندسی تقسیم نمود (جدول ۳).

از طرف دیگر، به علت مذهبی بودن مردمان شهر دزفول و احترام خاصی که برای مجتهدین و علما قائل بوده و هستند، از این رو قبور علما و مجتهدین، با نمادی از مسجد یا امامزاده شامل گنبد و گلدسته به صورت ترکیبی از آجر ساده و لعاب دار (معقلی)، مشخص و شاخص شده اند. بنابراین به صورت کلی، مضامین نقوش بسته در تزئینات آجری این قبور را می توان شامل موضوعاتی همچون؛ مذهبی- اجتماعی، طبیعت گرایانه و یا اشیای مرتبط با طبیعت از قبیل گلدان دانست. علاوه بر نقوش ذکر شده که بیانگر مشخصه های خاصی هستند، بقیه قبور، نقوشی متفاوت داشته و به نظر می آید که از چارچوب خاصی پیروی نکرده اند؛ برای مثال، گاه از اشکال هندسی به مثابه خوون چینی های مشابه روی سردرهای خانه های سنتی این شهر و یا الهام گرفته از طبیعت و عالم اجسام مانند درخت و شمعدان و غیره استفاده شده است. به صورت کلی، دسته بندی دسته بندی نقوش آجری مقابر را می توان در تصویر ۱۵ مشاهده نمود.

جدول ۱. آمار کلی قبور به تفکیک تزئین و میزان سلامت نقوش در قبرستان ها

ردیف	مجموع و نوع تزئین	نام قبرستان	قبرستان کاشفیه*	قبرستان بابا یوسف	قبرستان رودبند
۱	مجموع قبور شمارش شده		۱۰۴	۲۱۷	۹۹
۲	مجموع قبور کاملاً سالم با آجر لعاب دار		۱۲	۱۳	۷
۳	مجموع قبور قابل ترمیم با آجر لعاب دار		۲۹	۱۸	۹
۴	مجموع قبور کاملاً سالم با آجرهای بدون لعاب (ساده)		۱۰	۲۱	۷
۵	مجموع قبور قابل ترمیم با آجرهای بدون لعاب (ساده)		۱۳	۱۰	۲۲
۶	مجموع قبور تخریب شده و نامشخص		۴۰	۱۵۵	۴۹

* در قبرستان کاشفیه بنا به آمار گذشته، ۱۱۷ قبر آجر کاری وجود داشته اند که در زمان حال این آمار، به شرحی که در جدول آمده، است.

(نگارندگان)

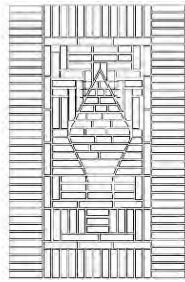
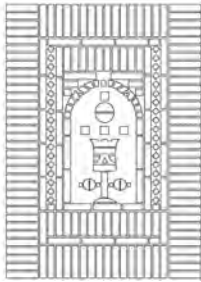
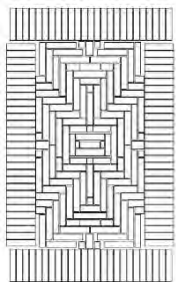
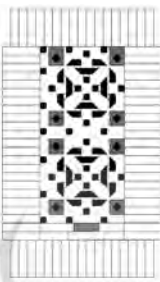


تصاویر ۱۲، ۱۳، ۱۴. نمونه قبوری که روی آنها عدد نقش بسته است (نگارندگان)

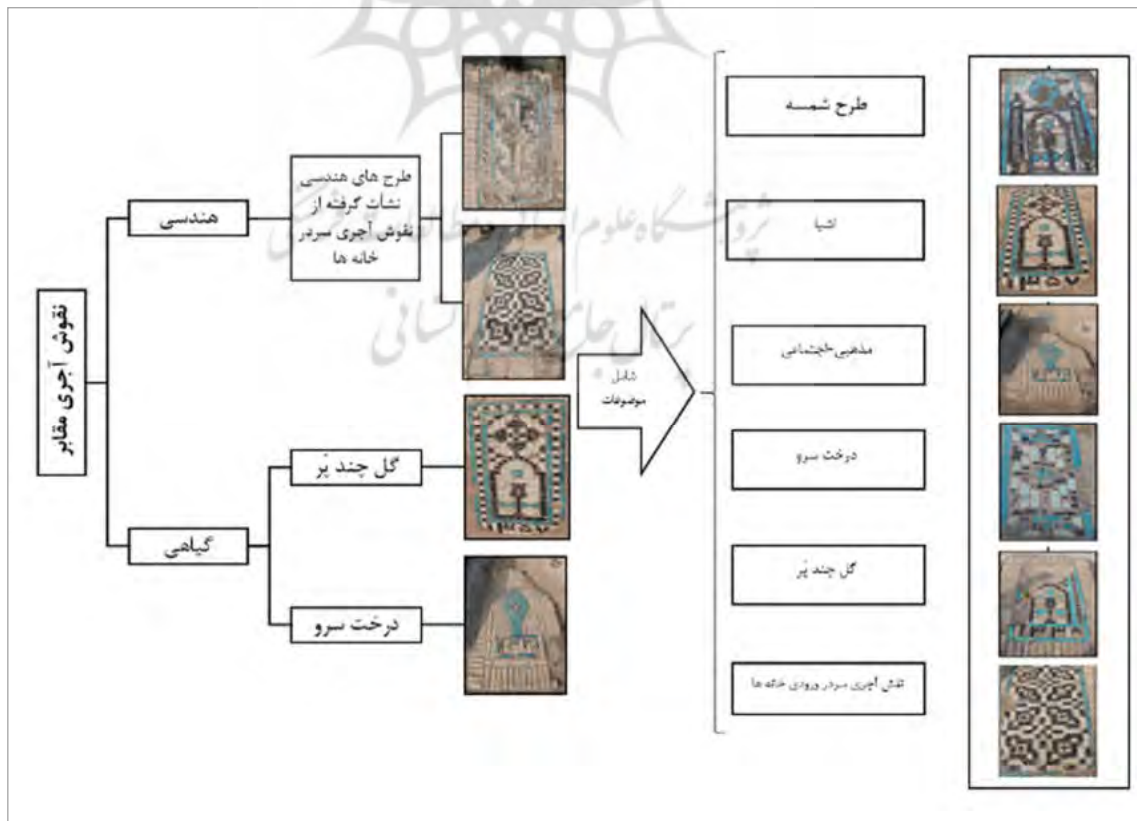
جدول ۲. انواع مصالح کاربردی در قبور به تفکیک قبرستان

قبوری با آجرکاری ترکیبی	قبور با آجرهای لعاب‌دار	قبور با آجرهای ساده (بدون لعاب)	

(نگارندگان)

نمونه موجود		نوع نقوش
		گیاهی
		هندسی

(نگارندگان)



تصویر ۱۵. دسته‌بندی نقوش آجری مقابر (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

سنگ‌های قبور به‌عنوان خانه معنوی، ارتباط خاصی با فرهنگ و زندگی انسان‌ها داشته که مأمنی برای نمایش بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه بوده‌اند. شهر دزفول با توجه به پیشرفت و گسترش آن، دچار تغییراتی در کالبد ساختاری خود از جمله قبرستان‌ها بوده است و از طرف دیگر، این گنجینه‌های عظیم فرهنگی و دینی به ورطه فراموشی سپرده شده‌اند. با بررسی‌های میدانی انجام‌شده از این سه قبرستان، این نتایج حاصل شدند که بهره‌گیری از آجر نه تنها در تمامی بناهای شهر دزفول، بلکه در قبرستان‌ها و روی قبور نیز به خوبی در انواع مختلف قابل مشاهده است. نقش‌هایی که برگرفته از بطن زندگی افراد بوده‌هستند، روی این قبور نقش بسته که از جمله برای مثال، نقوشی که از طریق چینش آجرها طبق سنت این منطقه به نام خوون‌چینی است اشاره کرده‌مشاهده می‌شوند که این هنر را به بهترین شکل، همان‌طور که در سر در خانه‌ها وجود دارد، می‌توان روی قبور نیز یافت. در واقع، این نقوش، به‌صورت تجریدی از نقوشی بوده که در جداره‌های بناها در شهر دزفول مشاهده می‌شوند، با این تفاوت که تمامی این نقوش شکل‌گرفته بر روی قبور، ساده شده و نزدیک به طرح‌مایه اولیه تزئینات هستند به‌صورت. از سوی دیگر، قبور به‌عنوان خانه ابدی افراد، با توجه به اصول دین اسلام، باید ساده و با حداقل ارتفاع از زمین شکل‌گرفته باشند و این مسئله به خوبی در این قبور تاریخی، از طریق ساده شدن تزئینات و از سوی دیگر با نداشتن ارتفاع از زمین، قابل مشاهده است؛ به این مفهوم که توصیه‌های مذهبی، در امتداد زندگی افراد این شهر هستند. علاوه بر آن، ذکر این نکته حائز اهمیت است که روی این قبور، هیچ‌گونه نوشته‌ای جز برخی اعداد که توسط آجرهای لعاب‌دار ساخته شده‌اند، مشاهده نمی‌شود. همچنین، جنسیت افراد، از طریق طاقی‌شکل بودن یا مستطیل‌شکل بودن آنها قابل تشخیص است. مورد دیگری که به شرح آن پرداخته شد، نوع نقوش به‌کار رفته در این قبور است که به‌صورت کلی و با بررسی‌های انجام‌شده از قبور باقی‌مانده، می‌توان آنها را به دو شاخه گیاهی و هندسی دسته‌بندی نمود. امید است این پژوهش که گوشه‌ای از گنجینه غنی معماری سنتی این شهر بوده که در ورطه‌ی فراموشی است، به‌عنوان تلنگری بر متخصصان این زمینه باشد تا به حفظ این آثار و همچنین مرمت بخش‌های باقی‌مانده بپردازند.

پی‌نوشت

۱. سید صدرالدین محمد موسوی کاشف دزفولی، از سادات گوشه بود که از اواخر سده هشتم تا کنون، سلسله علما، عرفا و ادبای دزفولی را تشکیل داده است‌اند. مرحوم کاشف، در ۱۸ صفر ۱۱۷۴ هجری قمری در دزفول متولد شد. از اوایل کودکی، به تحصیل علوم اسلامی رغبت داشت و آن‌چنان در تحصیل کوشید که در ۲۱ سالگی به مقام اجتهاد دست یافت و صاحب ملکه استنباط شد. سید علی شوشتری و شیخ مرتضی انصاری، جزء شاگردان مکتب عرفانی کاشف بوده‌اند. کاشف در ۱۶ شعبان ۱۲۵۸ در دزفول وفات یافت و پیکر مطهر او را بنا به وصیت خود، به کربلا انتقال داده و در بین رواق و حرم مطهر حضرت اباعبدالله الحسین^(ع) به خاک سپردند.
۲. سادات گوشه، از اعیان سید کمال‌الدین ولی هستند که خود از نوادگان احمد بن عبدالله بن موسی الکاظم^(ع) بوده و نسبت شریف او با پانزده واسطه به امام می‌رسد. ایشان، در قریه گوشه (کوهستان شمال شرقی دزفول) مدفون است. از خاندان سادات گوشه، شعرا و فقهای بسیاری برخاسته‌اند که از این میان، می‌توان به سید صدرالدین کاشف، عارف بزرگوار اشاره کرد.
۳. سید علی صفوی معروف به سلطانعلی سیاهپوش یا پیر رودبند یا رودبند، امامزاده‌ای در شهر دزفول بوده و در محله‌ای به همین نام مدفون است. رودبند، نوه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و پدربزرگ شاه اسماعیل صفوی بود که به دزفول آمده و با انجام کراماتی، مردم دزفول را به آیین تشیع دعوت کرد. خواجه سلطان سید علی، مشهور به «شاه رودبند» یا «آقا رودبند»، نسبت او با ۲۲ واسطه به امام موسی کاظم می‌رسد.

منابع و مآخذ

- احمدزاده، فرید؛ حسینی، سید هاشم و نورسی، حامید (۱۳۹۷). پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ قبور ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد سابق). *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، (۵)، ۷۹-۹۲.
- (تناولی، پرویز (۱۳۸۸). *سنگ قبر*. چاپ اول، تهران: بنگاه.
- جبّاری کلخوران، صداقت و خبیری، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی سنگ نبشته‌های تاریخی شهرستان یزد (سنگ قبور قرون ۵ تا ۱۳ هجری) با تأکید بر ویژگی‌های گرافیکی آن. *کتاب ماه هنر*، (۱۴۵)، ۷۲-۶۰.
- حقیر، سعید و شوهانی‌زاد، یلدا (۱۳۹۰). چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران (با رویکرد به نقصان دستور کار ۲۱ مصوب سازمان ملل متحد در عدم توجه به امر تنوع فرهنگی). *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، سال هشتم (۱۷)، ۹۴-۸۱.
- خدادادی، علی؛ صفی‌خانی، نینا و احمدپناه، سید ابوتراب (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی نقش‌مایه فرشته در سنگ قبور آرامگاه ارامنه و تخت فولاد اصفهان. *هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)*، ۲۳ (۳)، ۹۲-۸۳.
- زرگرزاده دزفولی، مجتبی؛ لاری بقال، سید کیانوش؛ سالاری‌نسب، نجمه و بابایی مراد، مهناز (۱۳۹۵). *خوون‌چینی، تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول. مطالعات معماری ایران*، ۵ (۴۷۹)، ۶۹۰-۶۵۶۵-۴۷.
- شریفی‌نیا، اکبر؛ ساریحانی، مجید؛ دولت‌یاری، عباس و قائمی، نعیمه (۱۳۹۵). شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام. *هنرهای تجسمی*، ۲۱ (۱)، ۳۵-۲۳.
- صفی‌خانی، نینا؛ احمدپناه، سید ابوتراب و خدادادی، علی (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی). *هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)*، ۱۹ (۴)، ۸۰-۶۷.
- غفاری، عباس و صلاحی، مریم (۱۳۹۷). پژوهشی در خاستگاه اصلی صندوق قبر شیخ صفی و شاه اسماعیل اول صفوی. *نگره*، ۱۳ (۴۶)، ۸۷-۷۴.
- فرهادی‌پور، احمد (۱۳۸۸). راهبردهای مکان‌یابی گورستان در شهرهای کشور. *فصلنامه اندیشه ایرانشهر*، سال چهارم (۱۳)، ۵۴-۴۸.
- نعیم، غلامرضا (۱۳۷۶). *دزفول شهر آجر*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- Attarian, K. & Safar Ali Najar, B. (2019). Vernacular and historic underground urban facilities and sustainability of cities case study: Infrastructures of Dezful. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 9 (1), 2-23.



Received: 2019/10/12

Accepted: 2020/09/12



Exploring the brick decorative motifs of the graves of old cemeteries in Dezful

Mohammad Mehrakizadeh* Mohsen Taban**
Behnaz Safar Ali Najjar*** Samin Nikoonezhad****

Abstract

Historical cemeteries are a reflection of the culture and religion of the community in which they were formed. With the expansion of cities, most of these cemeteries have been abandoned in remote areas, outside the city or in unsuitable protected areas, and no trace of dynamics and currents of urban space can be seen in them. As these cemeteries are a valuable part of tangible and intangible heritage of each society, it is essential to consider their recognition, registration, and conservation measures. Dezful is one of the cities with a unique living historical context and also historical cemeteries. Locating these cemeteries in the urban context has led to be effected by brick and patterns used in the structure of the city, and due to the fact that these cemeteries have been neglected over the years, they have been subject to risks such as complete destruction. This research seeks to investigate the brick designs of graves in Dezful cemeteries named Roudband, Baba Yusef, and Kashefiyeh. The main purpose of this article is studying the brick designs of gravestones located in the historical cemeteries of this city, classifying and identifying these cemeteries as treasures of the ancient architecture of Dezful City. In this regard, the research method used is descriptive and the required data gathered through field and library studies. The results of the research show that the brickwork decorations of the cemeteries in Dezful are divided into three groups: historical graves with glazed brickworks, historical graves with simple brickworks, and historical graves with combined brickworks (the combination of simple and glazed bricks). According to results, brick decorations with glazed bricks had a bigger share in this category, after which brick decorations with simple bricks, and finally the combination decorations. On the other hand, in addition to geometric and plant motifs in the heart of the motifs that are the result of using bricks and its proportions, religious, social, and plant motifs have been used on some graves.

Keywords: Historical Cemeteries, Gravestone Motifs, Dezful City

* Instructor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran. mehraki@jsu.ac.ir

** Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran. mntaban@jsu.ac.ir

*** MA Holder, Architecture Major, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran. behnaz.najar@jsu.ac.ir

**** BA. Holder, Architecture Major, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran. samin.nikoonejhad@gmail.com